

## آمایش آموزش عالی در ایران: ملاحظات

ابراهیم صالحی عمران<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: 1400/01/16

تاریخ پذیرش: 1400/06/12

### چکیده:

آمایش آموزش عالی به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های آمایش سرزمین، می‌تواند نقش مهمی را در فرایند توسعه و پیشرفت کشور بازی کند. اما این سیاست‌گذاری نیز همانند سایر فعالیت‌های توسعه‌ای نیازمند یکسری ملاحظات است که با رویکرد تحلیلی این مقاله به آن پرداخته شد. تجربیات آمایش سرزمین به ما نشان داده است اولاً: همه نگاه کل‌گرایانه و سیستمی بیشترین تأثیر را در بهره‌مندی از این نوع برنامه‌ریزی مبتنی بر مزیت‌های منطقه به دنبال خواهد داشت. ملاحظاتی همچون توجه به اصلاح ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خارج از نظام آموزش عالی به افزایش پیامدهای مختلف آمایش آموزش عالی منجر خواهد شد. البته اصلاحات درون سیستم‌های آموزشی مانند نظام هدایت تحصیلی نیز منجر به اصلاح نظام پذیرش دانشجو می‌شود. علاوه بر آن تقویت زیر نظام آموزش عالی مهارتی نیز پیوند مناسبی برای آموزش و اقتصاد و علی‌الخصوص کم کردن چالش اشتغال دانش‌آموختگان خواهد بود. علاوه بر آن نتیجه گرفته شد آمایش آموزش عالی صرفاً به ساماندهی ساختاری و مدیریتی نظام آموزش عالی محدود نگردد و آمایش آموزش عالی فقط تصمیم‌گیری درباره ابعاد کمی آموزش عالی نباشد و همه بحث‌ها معطوف به تجمیع، ادغام و حذف دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نباشد! در آمایش آموزش عالی لازم است سیاست‌های کلان و خرد در این رابطه مورد بازنگری قرار گرفته و اصلاحات لازم در راستای "کیفی سازی آموزش عالی" در دو رویکرد کمی و کیفی در آمایش مورد توجه قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** آموزش عالی، برنامه‌ریزی، آمایش، سیاست‌گذاری

---

<sup>۱</sup> . استاد برنامه ریزی آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران . edpes60@hotmail.com

مقدمه :

آمایش سرزمین<sup>۲</sup> به‌عنوان یکی از گفتمان‌های مسلط در ادبیات برنامه‌ریزی توسعه کشورها، مطرح گردیده و جایگاه خاصی در حوزه برنامه‌ریزی توسعه کشورها پیدا کرده است. آمایش سرزمین تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا تعریف میشود و وظیفه اصلی اش تنظیم و هماهنگ سازی راهبردها و جهت گیری بخش ها و مناطق کشور را بر عهده دارد و تدوین سیاست‌های اجرایی و برنامه های عملیاتی توسعه بر مبنای این راهبردها بر عهده بخش های مختلف اقتصادی و اجتماعی است (بنی سی 1391). به عبارتی میتوان آنرا به عنوان سازماندهی مطلوب فضا در جهت دستیابی به اهداف و استراتژی های توسعه ملی یاد کرد (صالحی عمران 1391). در راستای آمایش سرزمین، آمایش آموزش عالی و مدیریت منطقه ای آموزش عالی نیز در حوزه سیاست‌گذاری کلان توسعه کمی و کیفی دانشگاه‌ها نیز مطرح گردید و توسط سیاست‌گذاران آموزش عالی مورد پذیرش قرار گرفت. نمونه این توجه، تأکید اسناد بالادستی بر ضرورت توجه به آمایش آموزش عالی در فرایند توسعه کمی مراکز آموزش عالی است. مدیریت منطقه‌ای در آموزش عالی در راستای ایجاد عدالت آموزشی و بهبود ساختار اداره دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و در جهت تحقق بند 78 سیاست‌های کلی برنامه ششم و بند 5-5 و 2-6 سیاست‌های کلی علم و فناوری می‌باشد(کوثری 1395). بسیاری از سیاست‌گذاران و مدیران دانشگاهی و آموزش عالی نیز همواره بر اجرای آمایش آموزش عالی تأکید دارند، اما به نظر می‌رسد که طرح برخی از سؤالات و پاسخ‌گویی به آن‌ها می‌تواند پیامدهای بهتری را برای نظام آموزش عالی کشور در پی داشته باشد. به عنوان مثال سوال هایی مانند: تاریخچه و تجربه آمایش سرزمین و آمایش آموزش عالی چیست؟ اساسا چرا این نوع از برنامه‌ریزی مطرح شد؟ چرا بحث آمایش در آموزش عالی ایران مطرح شد؟ و سرانجام چه نکاتی لازم است در فرایند برنامه‌ریزی آموزش عالی مبتنی بر آمایش مورد توجه قرار گیرد؟ و پیامدهایی مورد انتظار با اجرای آمایش آموزش عالی کدام‌اند؟ در ارتباط با سؤالات مذکور می‌توان توضیحات ذیل را ارائه داد:

1- تاریخچه مطرح‌شدن مفهوم آمایش به کشور فرانسه بازمی‌گردد؛ جایی که سیاست‌گذاران آن کشور متوجه شدند که برنامه های توسعه صرفا در شهر پاریس تمرکز یافته و در سایر مناطق کشور اقدام خاصی انجام نگرفته و از توسعه به دور مانده بود (بوذری 1395). به‌عبارت‌دیگر در دوره‌ای از تاریخ، برنامه‌های توسعه دولت فرانسه تنها در شهر پاریس محقق گشته و از ظرفیت‌ها و ویژگی‌های سایر مناطق فرانسه استفاده چندانی نشده بود؛ تا جایی که این مسئله با عناوینی مانند "پاریس و بیابان‌های اطراف" در بین سیاست‌گذاران مطرح گردید! لذا این نوع از برنامه‌ریزی به‌عنوان راه‌حلی جهت پاسخگویی به این نابرابری مطرح شد تا توسعه متوازی را در کل کشور حکم‌فرما کند. مبنای این نوع برنامه‌ریزی، تنظیم رابطه بین سه حوزه انسان، فضا و فعالیت با توجه به مزیت‌های نسبی مناطق بود. این نوع برنامه‌ریزی، به‌نوعی "تقسیم‌کار ملی" نیز قلمداد شد. در حقیقت آمایش سرزمین به‌نوعی تصرف مجدد در سرزمین تلقی شده و زمینه توسعه را در کل کشور فراهم می‌آورد. بدیهی است که هرگونه تصمیم‌گیری در آمایش آموزش عالی می‌بایست با محوریت توجه به برنامه های توسعه ای ملی کشور و توجه به اسناد استانی آمایش سرزمین انجام گیرد تا "نتیجه‌گرایی" و "پیامدگرشدن" آموزش عالی نیز عملا تحقق یابد.

2- نکته دوم پیرامون دلایل کار برد مفهوم آمایش آموزش عالی در ادبیات آموزش عالی ایران است. این مفهوم زمانی در ادبیات آموزش عالی کشور مطرح گردید که رشد کمی آموزش عالی در کشور اتفاق افتاد. تعداد

<sup>2</sup> Land use planning

مراکز آموزش عالی در دو بخش دولتی و خصوصی با رشد کمی بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شد. این رشد، با تقاضای بالای مردم به حضور در دانشگاه و اخذ مدارک دانشگاهی همراه شد! چراکه در سابقه و حافظه تاریخی مردم ایران، دارا بودن مدارک دانشگاهی به استخدام و اشتغال در دوائر اداری و دولتی منجر می‌شد؛ همچنین دانش‌آموختگان به‌واسطه مدارک دانشگاهی، از امتیازهای سیاسی و قدرتی هم بهره‌مند می‌شدند. در حقیقت، شکل‌گیری دولت و دیوانسالاری، زمینه‌ای جهت جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی شد و به تدریج منزلت‌های اجتماعی حاصل از آن نیز ارزش‌های فرهنگی خاصی به دانشگاه‌ها و مدارک دانشگاهی بخشید! و نتیجه اش سیل هجوم متقاضیان مدارک آموزش عالی در جامعه ایرانی بود! اما به‌مرور ظرفیت‌های بخش‌های دولتی برای استخدام دانش‌آموختگان دانشگاهی کاهش یافت و از طرف دیگر دانش‌آموختگان دانشگاهی نیز جایگاه مناسبی در بخش‌های خصوصی نداشتند و در طی زمان موضوع بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی تبدیل به یک ابر چالش در جامعه ایران شد (عیسی زاده 1393). تأکید بیش‌ازحد به عرضه گرایی به جای تقاضامحوری، منجر به عرضه نیروی انسانی بدون توجه به نیازهای جامعه شد (جامعه ای که همزمان هم کمبود نیروی انسانی متخصص دارد و هم مازاد نیروی انسانی!) اگرچه سرآغاز آموزش عالی با هدف تربیت کادر اداری دولت و تقویت بخش دیوانسالاری بود، ولی نکته مهم این بود که حتی نیازهای بخش‌های دولتی نیز به‌درستی تجزیه و تحلیل و تبیین و مبنای پذیرش دانشجو در دانشگاه هم قرار نگرفت! بنابراین انتقادات به آموزش عالی حول محور رشد کمی مراکز آموزش عالی و مشخص نبودن وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان مراکز دانشگاهی قرار گرفت و اصلاح آموزش عالی در ادبیات آموزش عالی به‌نوعی بر مدار آمایش سرزمین و آمایش آموزش عالی قرار گرفت و گفتمان‌های مختلفی نیز درباره رجوع به این نوع برنامه‌ریزی در جامعه شکل گرفت. چراکه تصور می‌رفت آمایش آموزش عالی، دانشگاه‌ها را با نیازهای اجتماعی و به‌ویژه نیازهای منطقه‌ای که به‌نوعی ارتباط مجدد انسان، فضا و فعالیت بود، پیوند خواهد داد! و انشالله تصرف مجدد سرزمین را به‌همراه خواهد داشت! بهرجهت طرح آمایش آموزش عالی یعنی توسعه علم و فناوری در سراسر کشور که مبتنی بر عدالت اجتماعی، تعادل منطقه‌ای، حفظ هویت اسلامی و ایرانی و حفظ میراث فرهنگی است. همچنین بر معنای مدیریت صحیح منابع، هدایت درست استعدادها و حرکت عالمانه به سوی هدف برای آموزش عالی کشور است. همچنین آینده‌نگری آمایش آموزش عالی در سطح ملی، منطقه‌ای و استانی شامل تعیین استراتژی آموزش عالی، جمع‌آوری اطلاعات و شناخت قابلیت‌ها و تنگناهای استان است (بهجتی اردکانی 1391).

3- نکته سوم این بحث مربوط به رایج توضیحاتی است که لازم است جهت اصلاح نظام آموزش عالی ایران با توجه و در نظر گرفتن مفهوم آمایش آموزش عالی مدنظر قرار گیرند. نکته اساسی این بحث این است که نباید فراموش گردد که آمایش سرزمین در ارتباط با فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی معنا پیدا کرده و لازم است امکان "توسعه متوازن" و "درون‌زا" و "پایدار" را برای کشور فراهم آورد؛ لذا ویژگی جامعیت که به‌نوعی توجه به تمام بخش‌هاست باید مبنای این نوع برنامه‌ریزی بوده و داشتن تفکر سیستمی از ضرورت‌های این نوع برنامه‌ریزی ملی است. علاوه بر آن میل به "عدم تمرکز" و "تقسیم کار ملی" یکی دیگر از مفاهیمی است که نباید به فراموشی سپرده شود! (تا تجربه پاریس و بیابان‌های اطراف تکرار نشود).

اگرچه آمایش آموزش عالی در شرایط فعلی کشورمان حول محور بعد کمی گرایش پیدا کرده است و تیغ تیز اش نیز متوجه تعدد و کمیت مراکز دانشگاهی و نقد سیاست‌های آموزش عالی فراگیر<sup>3</sup> است و هرگاه صحبت از آمایش آموزش عالی می‌شود، صحبت از ادغام و تجمیع، حذف و به‌طور کلی ساماندهی ساختاری و اداری و مدیریتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی است. ولی باید خاطر نشان کرد که حل بسیاری از مشکلات آموزش عالی در حذف و ادغام نیست و لازم است در کنار اصلاحات بعد کمی آموزش عالی، آمایش را در "بعد کیفی" و اصلاحاتی را در درون و بیرون نظام آموزش عالی مربوطه مورد توجه قرار داد. بطور مثال در این راستا مهرعلیزاده (1395) به چهار تقابل اشاره کرده است. تقابل حوزه علم و ورزش (گسترش کمی و کیفی دانشگاه)، حوزه سیاست (قدرت)، حوزه اقتصاد (سود و زیان و ثروت اندوزی)، و حوزه فرهنگ (منزلت اجتماعی و فرهنگی، اقناع، استدلال، هنر و ادبیات ...) موجب نابسامانی در جایگاه و حوزه اختیارات بازیگران ارشد سیاست‌گذاری توسعه آموزش عالی شده است. اما سیاست‌گذاران چنین اندیشه کرده اند که اولویت دادن به تجمیع موسسات آموزش عالی حلال بحران‌های آموزش عالی شده است. لذا آمایش آموزش عالی در راستای

<sup>3</sup> Mass higher education

کیفیت‌بخشی و انتخاب مسیر درست در آموزش عالی است که معنای واقعی پیدا کرده و آموزش عالی ایران بیش از هر دوره‌ای به اصلاحات کیفی<sup>4</sup> در ابعاد زیر نیاز دارد:

#### الف) اصلاحات مربوط به ساماندهی و ارتباط مستمر آموزش عالی با نهادهای بیرونی :

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در خلأ عمل نمی‌کنند. زمانی برون‌دادهای دانشگاه متمر ثمر خواهد بود که زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی بیرون از دانشگاه نیز فعال و پویا باشند. از منظر اقتصاد آموزش عالی نیز چنین است. نظام های آموزش عالی زمانی بازده اقتصادی خواهند داشت که شرایط اقتصاد خرد و کلان نیز در وضعیت مطلوب و رو بر رشد مثبت بسر ببرند. طبیعی است رونق تولید و شکوفا بودن بنگاههای اقتصادی کشور می تواند زمینه جذب نیروهای انسانی آموزش دیده را فراهم آورد. بهرجهت رشد اقتصادی و افزایش تولید ناخالص ملی کشور زمینه مناسبی برای ارتباط متقابل اقتصاد و نظام های آموزشی و بطورخاص فراهم‌سازی فرصت‌های اشتغال را نیز فراهم می‌آورد؛ بنابراین اگر جامعه‌ای با بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی روبه‌رو است، بخشی از دلایل را باید در ضعف ساختارهای اقتصادی آن جامعه جستجو کرد و طبیعی است که اصلاحات آموزشی به‌تنهایی زمینه کارآمدی نظام آموزش عالی را فراهم نمی‌سازد! بنابراین ساماندهی و نظم‌بخشی به نظام‌های اقتصادی جایگاه مهمی در آمایش سرزمین و فرایند های توسعه یک کشور داشته و نگاه جزیره‌ای به اصلاحات درون دانشگاهی اثر چندانی نخواهد داشت!

#### ب) ارتباط مداوم بین نظام آموزش و پرورش عمومی با نظام آموزش عالی:

معمولاً نظام‌های آموزشی کشور ها، نظام‌های پیوسته‌ای هستند که هرگونه تقسیم‌بندی جداگانه و بدون ارتباط منطقی با یکدیگر منجر به ناکارآمدی هر یک از آنها خواهد شد و یا حداقل اثربخشی اجتماعی آنها را در فرایند های توسعه آن کشور کاهش خواهد داد. به‌عنوان مثال در اغلب کشورها نظام‌های آموزشی به سه دسته نظام آموزشی عمومی، نظام آموزش عالی و نظام آموزش مهارتی تقسیم می‌شود ولی در عین تفکیک، ارتباط افقی و عمودی خاصی نیز بین آنها وجود دارد که این ارتباط می‌تواند به کارایی و اثربخشی هر یک از آنها منتهی شود. متأسفانه در ایران، این ارتباط چندان منطقی و مناسب نمی‌باشد! به‌ویژه بین نظام آموزش عمومی و نظام آموزش عالی کشور ارتباط چندانی برقرار نیست! به اعتقاد نگارنده نظام آموزش عمومی به‌عنوان سرآغاز ورود دانش آموزان به آموزش عالی، نقش قابل توجهی در شکل‌دهی افکار، دانش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های دانش آموزان دارد و اصولاً فرهنگ عمومی و نظام ارزشی حاکم بر آموزش، مسیر تحصیل را تعیین خواهد کرد. فضای فرهنگی حاکم بر مدرسه و نظام آموزش و پرورش عمومی ریشه ادامه تحصیل در مسیرهای آموزش عالی و نظام آموزش مهارت را مشخص خواهد کرد که از آن تحت عنوان «هدایت تحصیلی» نام‌برده می‌شود.

به‌طور طبیعی انتظار می‌رود که در پایان دوره آموزش عمومی و در دوره متوسطه، دانش آموزان به‌طور مناسبی بین رشته‌های مختلف تحصیلی توزیع شوند و زمینه لازم جهت تحصیل در حرفه‌ها و مشاغل مختلف فراهم آید. به‌ویژه انتظار می‌رود که بخش عمده دانش آموزان از دوره متوسطه وارد دوره‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی شوند و بدین ترتیب چرخه اقتصادی کشور را به حرکت درآورند. ولی متأسفانه آمارها نشان‌دهنده آن است که این‌گونه نیست و بخش عظیمی از دانش آموزان متقاضی ادامه تحصیل در رشته‌های نظری و علی‌الخصوص تجربی می‌باشند و انبوه داوطلبان کنکور حول محور رشته‌های نظری می‌چرخند. به‌عنوان مثال در سال تحصیلی 99-1400، 42٪ از داوطلبان کنکور را متقاضیان گروه آزمایشی تجربی تشکیل می‌دادند! و بدتر آن‌که این گروه عظیم صرفاً مقصد آموزش عالی را در چند رشته پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی می‌بینند! و از آنجایی که نظام آموزش عالی هم در پی پاسخ‌گویی به این‌گونه تقاضاهای کمی کاذب اجتماعی است، رشد کاریکاتوری پیدا می‌کند و نتیجه‌اش این خواهد شد که 80٪ دانشجویان تنها در 20 رشته

<sup>4</sup> Qualitative reformation

تحصیلی مشغول به تحصیل شوند! طبیعی است که این‌گونه گسترش آموزش عالی به‌طور حتم بیکاری دانش‌آموختگان را در پی خواهد داشت!

لذا توجه به سیستم‌های قبل از نظام آموزش عالی و اصلاح سازوکارهای مربوط به هدایت تحصیلی اهمیت ویژه‌ای در مباحث مربوط به آمایش آموزش عالی خواهد داشت و خروجی‌های مناسب نظام آموزش عالی نیز منجر به اصلاح سیستم پذیرش دانشجو در مراکز دانشگاهی خواهد شد و بدین ترتیب بخش بزرگی از اهداف آمایش آموزش عالی عملاً اجرا خواهد شد.

### ج- تمرکززدایی در سیاست‌گذاری و مدیریت آموزش عالی:

همانطور که در ابتدای این نوشتار شرح داده شد، یکی از مؤلفه‌های اصلی آمایش سرزمین، توجه به توسعه متوازن در سطح کشور است. در این فرایند، قرار بر این است که همه استان‌ها و مناطق با توجه به ویژگی‌های فضایی و مزیت‌های نسبی شان مورد توجه قرار گیرند. این کار ضمن سرعت بخشیدن به فرایند توسعه، عدالت اجتماعی را نیز برقرار خواهد ساخت. در این میان سیاست‌گذاری مناسب سیستم‌های آموزشی به‌عنوان تامين کننده نیروی انسانی آموزش‌دیده نقش اساسی خواهد داشت و طبیعی است سیاست‌گذاری عدم تمرکز مدیریت نظام‌های آموزش عالی نقش مؤثری در حرکت به سمت توسعه متوازن ایفا خواهد کرد و به تبع آن فراهم‌سازی عدالت آموزشی و عدالت اجتماعی را نیز در پی خواهد داشت! چراکه هنوز نظام آموزشی عمومی، مهارتی و نظام آموزش عالی به صورت عادلانه در مناطق مختلف کشور توزیع نشده و فرصت‌های دسترسی به آموزش، امکانات و منابع آموزشی در وضعیت متوازن و برابری به سر نمی‌بریم! و هنوز پاسخ مناسبی برای این سؤالات نداریم! بهترین و کیفی‌ترین دانشگاه‌های کشور در کدام مناطق قرار دارند؟ صنایع با کیفیت در کدام مناطق کشور هستند تا روابط متقابل دانشگاه و صنعت پدید آید؟ بیشترین جمعیت دانشجویی در کدام مناطق متمرکز شده‌اند؟ کیفی‌ترین تحصیلات تکمیلی در کدام دانشگاه‌ها و کدام مناطق جغرافیایی متمرکز شده‌اند؟ بهترین فضاها، امکانات آموزشی، کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها کجا قرار دارند؟ امکان و روابط بین‌المللی آموزش عالی در کدام مناطق وجود دارد؟ و غیره.

به هر جهت همانطور که مشاهده می‌شود، حرکت به سمت عدم تمرکز و تفویض اختیارات در سیستم‌های آموزشی و یا حداقل سیاست‌گذاری آموزشی اقدام مثبت<sup>5</sup> برای کاهش نابرابریها می‌تواند یک نوع اقدام عملی برای آمایش آموزش عالی محسوب شود.

البته لازم به ذکر است که ضمن تفویض اختیار به دانشگاهها، برقراری ارتباطات سیستماتیک بین دانشگاهها می‌تواند به هم‌افزایی بیشتر آموزش عالی در سطح کشور و علی‌الخصوص در ارتقاء سطح بین‌المللی رتبه‌های دانشگاهها بیانجامد و جدایی و تکه تکه کردن دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ضمن بهدر دادن منابع انسانی و مادی آموزش عالی به شدت به کیفیت ارایه آموزش عالی نیز صدمه زده که لازم است در آمایش آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد.

### د- حرفه‌گرایی در آموزش عالی<sup>6</sup>:

همانطور که در ادبیات انتقادی از وضعیت آموزش عالی ایران هم بحث شد، موضوع بیکاری و عدم مطابقت مهارت‌های دانش‌آموختگان دانشگاهی با نیازهای بازار کار یکی از اصلی‌ترین انتقادات است. به همین دلیل طرح بحث "هدفمند نبودن آموزش عالی"، یکی از محورهای اصلی نقدهایی است که بر آموزش عالی کشور وارد می‌شود. انتقاداتی که به سیستم عرضه‌گرایی آموزش عالی کشور وارد می‌شود به عنوان یکی از زمینه‌های اولیه ضرورت مطرح‌شدن آمایش در آموزش عالی کشور ذکر شد. در حقیقت به‌نوعی، بازده اقتصادی و اجتماعی نظام آموزش عالی کشور زیر سوال رفت و موضوعاتی مانند رجوع به دانشگاه‌های کارآفرین و نسل سوم توسط منتقدان نظام آموزش عالی مطرح گردید. چراکه وقتی با انبوه فارغ‌التحصیلان بیکار در تعدادی از رشته‌های تحصیلی مواجه می‌شویم، این سوال مطرح می‌گردد که توسعه رشته‌های مختلف تحصیلی در

<sup>5</sup> Affirmative action

<sup>6</sup> Vocationalism in higher education

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بر چه اساسی انجام گرفت؟ توسعه و گسترش آموزش عالی بر اساس کدام منابع نظری انجام گرفت؟ آیا صرف داشتن چند عضو هیات علمی در دانشگاه برای ایجاد یک رشته تحصیلی در یک منطقه کفایت می‌کند؟ تا چه میزان توسعه این رشته‌ها با نیازهای مختلف حال و آتی بازار کار بود؟ هرم منطقی توسعه آموزش عالی در دوره‌های کاردانی، کارشناسی و تحصیلات تکمیلی چگونه باید باشد؟ هرم منطقی توسعه رشته‌های تحصیلی در گروه‌های مختلف آموزشی علوم انسانی، مهندسی، کشاورزی، پزشکی، خدمات و ... چگونه باید باشد؟ توزیع منطقی دانشجویان و گسترش آموزش‌های در زیر نظام‌های آموزش عالی (پیام نور، فنی و حرفه‌ای، دانشگاه‌های نظری و ...) چگونه باید باشد؟ و ...

این‌ها نمونه‌ای از سؤالاتی است که عدم پاسخگویی و برنامه‌ریزی مناسب جهت پاسخگویی به آن‌ها در گذشته آموزش عالی ایران، باعث سرریز شدن انبوه فارغ‌التحصیلان بیکار به جامعه شده است. لذا ضرورت پیدا می‌کند که با بهره‌گیری از تجارت بین‌المللی، سیاست حرفه‌گرایی در آموزش عالی که زمینه توجه به انتقال مهارت‌ها<sup>7</sup> و توسعه برنامه‌های آموزشی و درسی مبتنی بر شایستگی<sup>8</sup> (CBET) و مهارت‌های اشتغال‌پذیری<sup>9</sup>، است در برنامه‌های آمایش آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد. این مبحث دلالت روشن و مهمی برای سیاست‌گذاران آموزشی در سطح دانشگاه‌هاست که نخست باید بازنگری مستمر در تناسب رشته‌ای دایر با نیازهای متحول را در کانون برنامه‌های درسی مورد توجه قرار دهند و دوم اینکه تاسیس رشته‌های تحصیلی متناسب با این تحولات را از نظر دور ندارند، از این رو با بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی مبتنی بر مهارت‌های اشتغال‌پذیری با بازار کار و ظرفیت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی هر منطقه می‌تواند به عنوان گامی مهم و اساسی در جهت رفع این مشکلات در نظر گرفته شود، شایستگی‌های لازم در دانش‌آموختگان برای ورود به بازار کار پدید آورد و موجبات موفقیت آنها در موقعیت‌های شغلی را فراهم کند (صالحی عمران 1391). فراموش نکنیم که تاکید بر رشته‌های مهارتی و مهارتی ساختن سرفصل‌های دروس به «تجاری‌سازی» آموزش نیز کمک شایانی خواهد کرد. اگرچه در قانون برنامه ششم قرار بر این بود که 30٪ دانشجویان در دوره‌های تکنسینی مهارتی مشغول به تحصیل باشند ولی فراموش نباید کرد که بحث هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در دوره‌های آموزش عمومی نقش مؤثری در این ارتباط خواهد داشت.

به هر جهت یکی از ابعاد کیفی مهم در آمایش آموزش عالی «ماموریت‌گرا» ساختن نظام آموزش عالی و توجه خاص به حرفه‌گرایی در آموزش عالی است. فراموش نکنیم در حال حاضر بسیاری از دانشگاه‌های در دنیا بر اساس شاخص‌های اقتصادی و فراهم‌سازی بستر مناسب برای اشتغال و بهره‌وری اقتصادی رتبه‌بندی می‌شوند و تنها ارائه مقالات علمی و چاپ کتاب‌ها، به‌عنوان معیار اعتبارسنجی دانشگاه‌ها مد نظر قرار نمی‌گیرد! شاید به همین علت است که بخشی از نظام ارزیابی از آموخته‌های دانش‌آموختگان توسط نهادهای بیرونی انجام می‌گیرد و به‌گونه‌ای «صلاحیت حرفه‌ای» صاحبان مدارک آموزشی مورد اعتبارسنجی نهادهای صنعتی، علمی خارج از دانشگاه‌ها قرار می‌گیرد؛ بنابراین با اتخاذ سیاست‌های مناسب کیفی در برنامه آمایش آموزش عالی و توسعه کمی و کیفی رشته‌های مختلف مهارتی و مرتبط با نیازهای بازار کار در حال و آینده و توجه خاص به دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای و علمی کاربردی گام مؤثری در این مسیر خواهیم داشت.

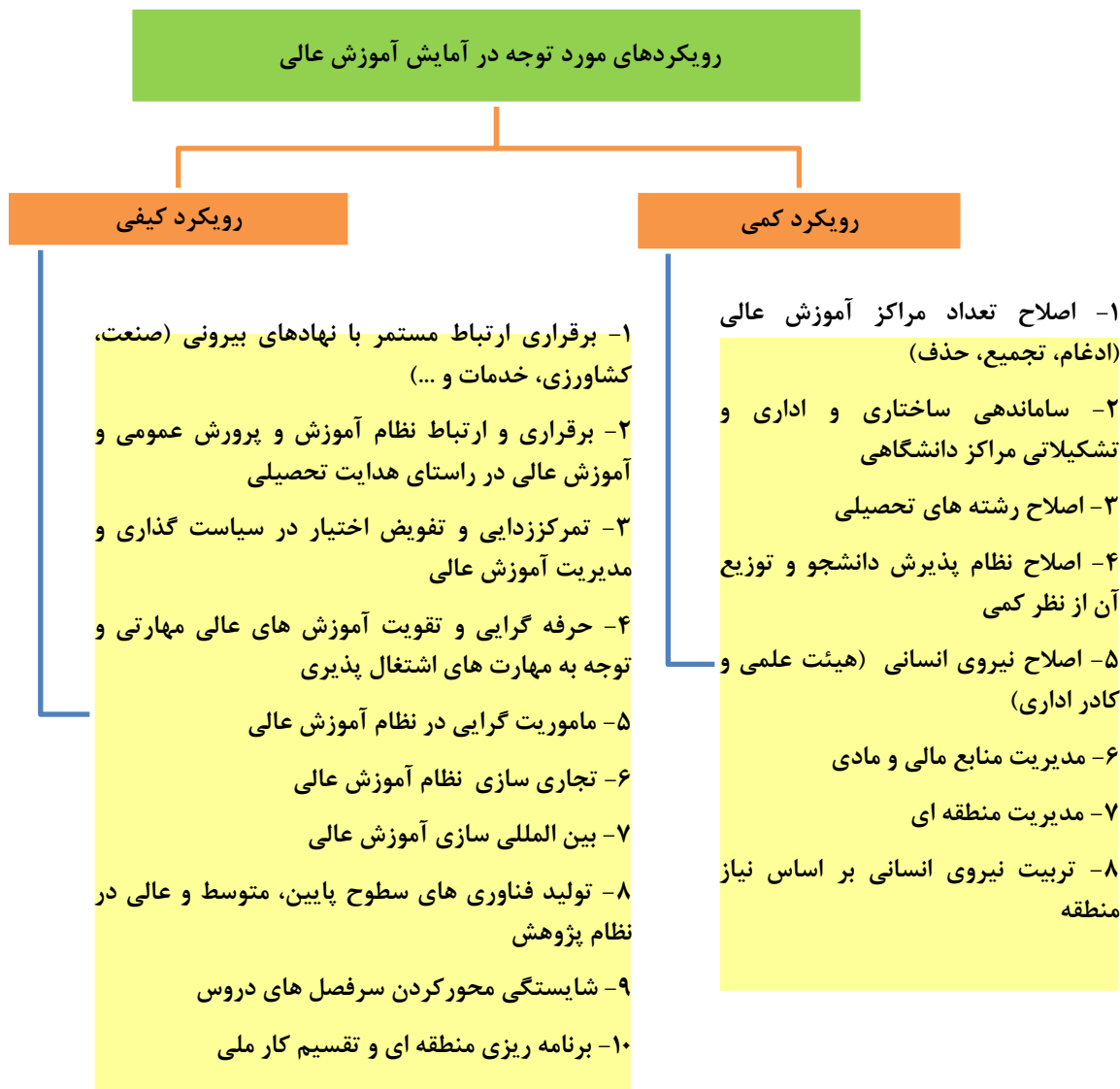
### نتیجه‌گیری

هدف اصلی از نگارش این نوشتار ابتدا فهم جایگاه آمایش سرزمین و سپس تبیین مسیر آمایش آموزش عالی در کشور بود. تأکید بر این بود که آمایش می‌بایست به توسعه متوازن در کشور منتهی گردد و نظام آموزش عالی نیز به‌عنوان یکی از زیر نظام‌های توسعه می‌تواند با انجام وظایف و کارکردهای مختلف و مناسب خود، گام‌های مؤثری در این مسیر بردارد. لذا هر گونه اقدام اصلاحی در آموزش عالی می‌بایست به برقراری ارتباط دو طرفه بین نظام‌های آموزش عالی و بخش‌های بیرونی و حتی خصوصی و منجمله اسناد استانی آمایش سرزمین کشور باشد. اما آنچه مورد تردید بود این است که هدف اصلی از آمایش آموزش عالی صرفاً به ساماندهی ساختاری و مدیریتی نظام آموزش عالی محدود نگردد و آمایش آموزش عالی فقط تصمیم‌گیری

<sup>7</sup> Skills

<sup>8</sup> Competency based education and training

<sup>9</sup> Employability skills



درباره ابعاد کمی آموزش عالی نباشد و همه بحث‌ها معطوف به تجمیع، ادغام و حذف دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نباشد! و از طرفی هم آمایش به معنای محدود کردن آموزش عالی هم معنا پیدا نکند! در آمایش آموزش عالی لازم است سیاست‌های کلان و خرد در این رابطه مورد بازنگری قرار گرفته و اصلاحات لازم در راستای "کیفی سازی آموزش عالی" در دو رویکرد کمی و کیفی در آمایش مورد توجه قرار گیرد:

از جمله این اصلاحات توجه به هم سویی و هماهنگی با اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و فراهم‌سازی زمینه‌های لازم جهت توسعه متوازن و درون‌زا است؛ بنابراین جامعیت و نگاه سیستمی به "بیرون و درون" از ضرورت‌های اصلی آمایش به شمار می‌رود. بنابراین اتخاذ تدابیری برای همراهی نهاد های بیرونی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی برای ارتباط با دانشگاهها توسط دولت مردان عامل مهمی برای ارتقای پیامد های آمایش آموزش عالی می باشد. همچنین این موضوع مطرح گردید که بخشی از ناکارآمدی در جذب نیروی انسانی متخصص به نظام‌های اقتصادی بیرون از آموزش عالی مربوط است که لازم است این بخش در آمایش سرزمین مورد توجه سیاست گذاران و قانو نگذاران کلان سیاسی اقتصادی کشور قرار گیرد. همچنین تحلیل شد که نظام هدایت تحصیلی در نظام آموزش و پرورش عمومی نیز می‌تواند تا حد زیادی نظام پذیرش و سنجش دانشجویان را ساماندهی کند. علاوه بر آن سیاست عدم تمرکز و فرایند تفویض اختیارات به دانشگاهها و توجه به ویژگی‌های مناطق و تقسیم کار ملی یکی از اصلاحاتی است که لازم است

موردتوجه سیاست‌گذاران آموزش عالی قرار گیرد. همانطوریکه رفسنجانی نژاد (1395) خاطر نشان کرد دستیابی، حفظ و ارتقای شاخص‌های پذیرش دانشجو نیازمند رویکردهای مشارکتی و مبتنی بر عدم تمرکز است. این فرایند باید با حضور همه نهادها و ذینفعان سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و ارزشیابی انجام شود. در راستای تقویت بعد کیفی آمایش آموزش عالی، حرفه‌گرایی و توجه به رشته‌های مورد نیاز بازار کار و به مهارت‌های اشتغال‌پذیری نیز جزو اولویت‌های این نوع از برنامه‌ریزی آموزشی قلمداد می‌شود؛ بنابراین با طراحی و اجرای برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت در به فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای تقویت دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم که ارتباط دانشگاه با جامعه، مبنای برنامه‌ریزی را تشکیل می‌دهد، نیز از اولویت‌های برنامه کیفی آمایش در آموزش عالی است. البته نباید فراموش کرد که در کنار توجه به آموزش و اصلاح تربیت نیروی انسانی در برنامه آمایش لازم است برنامه‌های پژوهش و کارکردهای مشاوره‌ای دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و تقویت روابط بین‌المللی دانشگاهها نیز مورد توجه قرار گیرند. به‌ویژه توجه به تولید فناوری سطوح پایین، متوسط و عالی در کارکردهای پژوهشی دانشگاهها و پارک‌ها و مراکز رشد و فناوری نقش شایسته‌ای دارد که بحث‌های مستقلی را نیز طلب می‌کند.



## منابع

بنی سی پری ناز، دلفان آذری قنبر علی (1391) تبیین ابعاد مفهومی آمایش آموزش عالی در پرتو آمایش سرزمین. **مجموعه مقالات آمایش آموزش عالی: نظریه ها و تجارب**. بابلسر انجمن آموزش عالی ایران با همکاری دانشگاه مازندران.

بودری سیما (1395) **آمایش آموزش عالی در پهنه جغرافیایی کشور**. فصلنامه پژوهش پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. دوره 22 شماره 2: 49-75.

بهجتی اردکانی، یار محمدیان محمد حسین، عراقیه علیرضا (1391) بررسی خط مشی ها و سیاستگذاری های آمایش آموزش عالی در ایران. **مجموعه مقالات آمایش آموزش عالی: نظریه ها و تجارب**. بابلسر انجمن آموزش عالی ایران با همکاری دانشگاه مازندران.

رفسنجانی نژاد سیما (1395) **آسیب شناسی نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی و ارائه پیشنهادات سیاستی**. کنفرانس ساماندهی آموزش عالی: سناریو های پیش رو. تهران. انجمن آموزش عالی ایران با همکاری دانشگاه فنی و حرفه ای. 21 ابان 1395.

صالحی عمران ابراهیم، تجری مجتبی (1391) بررسی دیدگاههای انتقادی در آمایش آموزش عالی ایران. **مجموعه مقالات آمایش آموزش عالی: نظریه ها و تجارب**. بابلسر انجمن آموزش عالی ایران با همکاری دانشگاه مازندران.

صالحی عمران ابراهیم، رحمانی قهدریجانی الهه (1391) مسئله اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی و ضرورت توجه به مهارتهای اشتغال زای بازار کار در طرح آمایش آموزش عالی. **مجموعه مقالات آمایش آموزش عالی: نظریه ها و تجارب**. بابلسر انجمن آموزش عالی ایران با همکاری دانشگاه مازندران.

عیسی زاده، سعید، حسینی سعیده السادات (1393) بررسی تطبیقی بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی در مقایسه با دیگر کشورها. **ماهنامه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کار و جامعه**. شماره 176: 4-26

کوثری سحر، احمدی حسن (1395) **الزامات پیاده سازی مدیریت منطقه ای آموزش عالی**. کنفرانس ساماندهی آموزش عالی: سناریو های پیش رو. تهران. انجمن آموزش عالی ایران با همکاری دانشگاه فنی و حرفه ای. 21 ابان 1395.

مهر علی زاده یدالله (1395) **نقدی بر گزراهه ساماندهی آموزش عالی ایران از منظر ماهیت و چیستی دانشگاه**. کنفرانس ساماندهی آموزش عالی: سناریو های پیش رو. تهران. انجمن آموزش عالی ایران با همکاری دانشگاه فنی و حرفه ای. 21 ابان 1395.

## Spatial planning of higher education in Iran: considerations

Ebrahim Salehi Omran<sup>10</sup>

### Abstract:

Spatial Sppanning of higher education as one of the use of land use planning can play an important role in the development process and development of the country. However, policy makers, like other development activities, need a number of considerations which have been addressed by the analytical approach of this paper. The spatial planning experiences have shown us that the holistic view and system have the greatest impact in the benefit of this kind of planning based planning. Considerations such as attention to reforming the economic, social and outside of the higher education system will lead to an increase in the different outcomes of higher education planning. Of course corrections within educational systems such as educational guidance system also lead to reform of the university admission system. Moreover, the strengthening of the higher skilled education system will also be a good link to education and economy, and in particular to alleviate the challenge of living alumni. Furthermore , the conclusion of higher education is not confined to the structural and managerial reorganization of the higher education system and the higher education planning is not just about making decisions about the quantitative dimensions of higher education and not all discussions are focused on aggregation , integration , and elimination of universities and higher education centers ! In the preparation of higher education, macro and micro - policies in this regard have been reviewed and the necessary modifications to improve higher education are considered in two quantitative and qualitative approaches in spatial planning.

**Key words:** higher education, land use planning, policy making,

---

<sup>10</sup> Professor of Educational Planning, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Mazandaran.edpes60@hotmail.com